



دوفصلنامه علمی تخصصی آموزه‌های حکمت اسلامی

سال دوم، شماره دوم، بهار و تابستان ۱۴۰۳

ISSN: 3041-9549 | EISSN: 3060-5764

مقاله پژوهشی

پیامدهای کلامی تشکیک در وجود: مطالعه موردی توحید ذاتی و توحید صفاتی



رضا اسفندیاری^۱

علی حسینی سی سخت^۲

مهدی زمانی فرد^۳

چکیده

مهم‌ترین مسئله‌ای که در فلسفه اسلامی، به ویژه در حکمت متعالیه، بعد از اصالت وجود مورد توجه قرار گرفته است، مسئله «تشکیک در وجود» است. این مسئله در منطق و عرفان هم سابقه دارد. در راستای لزوم بهره‌گیری از مسائل فلسفی در مباحث کلامی، پژوهش حاضر بر آن است تا با روش تحلیل عقلانی، پیامدهای کلامی تشکیک در وجود را واکاوی کند؛ از این رو بایست فرض قرارداد بحث تشکیک در وجود، توحید ذاتی و صفاتی اثبات می‌شود. در نهایت، با توجه به تأثیرگذاری تشکیک وجود در نفی تسلسل و اثبات علة العلل بودن خداوند، وجود محض و واجب بودن خداوند استنتاج می‌شود.

واژگان کلیدی: تشکیک در وجود، توحید ذاتی، توحید صفاتی، وجود محض، بسیط الحقیقه.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۸

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶

rezaesfandyari4489@gmail.com

۱. طلبه سطح دو رشته کلام اسلامی مدرسه علمیه نواب مشهد (نویسنده مسئول)

alihoseini313@gmail.com

۲. طلبه سطح چهار رشته کلام جدید مدرسه علمیه نواب مشهد

zamani.mahdi@mailkh.com

۳. استاد خارج فقه و اصول و سطوح عالی فلسفه و کلام مدرسه علمیه عالی نواب مشهد

✽ طرح مسئله

مسئله اثبات وجود و توحید خداوند و همچنین تبیین صحیح آن، همواره در آموزه‌های دینی و آثار اندیشمندان اسلامی مورد توجه بوده است؛ به طوری که این مسئله را می‌توان یکی از مهم‌ترین گزاره‌های دین اسلام دانست. در این میان، اندیشمندان اسلامی به خصوص فلاسفه و متکلمان کوشیده‌اند با بهره‌گیری از اصول و قواعد عقلی، به تبیین این مهم بپردازند. آنان براهین گوناگونی اقامه نموده‌اند و درصدد اثبات این مسئله برآمده‌اند.

در پژوهش حاضر تلاش می‌شود با مبنا قرار دادن مسئله عقلی «تشکیک در وجود» و امتداد آن در مباحث کلامی، وجود و توحید خداوند (توحید ذاتی و صفاتی) اثبات و تبیین شود.

پرسش‌های اصلی جستار حاضر از قرار زیر است:

۱. چگونه می‌توان با استفاده از تشکیک در وجود، توحید ذاتی خداوند متعال را تبیین نمود؟
۲. چگونه می‌توان با استفاده از تشکیک در وجود، توحید صفاتی خداوند را به دست آورد؟

✽ پیشینه تحقیق

بر اساس جستجوهای نگارنده، نتایج و پیامدهای کلامی مسئله «تشکیک در وجود» تاکنون مغفول مانده و پیرامون آن پژوهش خاصی صورت نگرفته است. در این رابطه تنها می‌توان به پایان نامه «کاربرد تشکیک در وجود در ادله اثبات وجود خدا در فلسفه ملاصدرا» نوشته خانم فاطمه محمدزاده اشاره کرد. این اثر به نتایج تشکیک در وجود در ادله اثبات خدا پرداخته و به نتایج آن در توحید ذاتی و صفاتی که مسئله اصلی پژوهش پیش رو است، نپرداخته است.

۱. تشکیک در وجود و اقسام آن

تشکیک در لغت به معنای به شک و تردید انداختن است (انیس و همکاران، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۰۴۶) و در اصطلاح با توجه به کاربردش در علوم مختلف، معانی متفاوتی دارد. از سوی دیگر با توجه به آنکه این اصطلاح ابتدا در منطق بوده و سپس به فلسفه و عرفان راه یافته است (حسین پور، ۱۳۹۸، ص ۱۰۳؛ پورطولی و باقرپور، ۱۳۹۰، ص ۹)، به معنای آن در علم منطق و عرفان هم اشاره می‌شود.

۱-۱. تشکیک عامی

منطق دانان مفاهیم کلی را از نظر صدق بر مصادیق بر دو دسته تقسیم کرده‌اند:

۱. متواطی: مفهومی که صدق آن بر همه افرادش یکنواخت و یکسان است؛ مانند مفهوم انسان که بر همه مصادیقش به طور یکسان حمل می‌شود.

۲. مشکک: مفهومی که صدق آن بر افرادش متفاوت است؛ یعنی بعضی از افراد آن مفهوم مزیتی بر بعضی دیگر دارند؛ مانند مفهوم سفیدی که برخی اشیاء از برخی دیگر سفیدترند (حلی، ۱۳۹۴، ص ۲۷-۲۸؛ مظفر، ۱۴۳۷ق، ص ۸۷-۸۸).

تشکیک عامی دو معنادارد:

۱. معنای عام: هرآنچه در آن مابه‌التفاوت باشد.

۲. معنای خاص: هرآنچه در آن مابه‌التفاوت یافت شود و غیر از مابه‌الاشتراک باشد.

گفته شده است که حکمای مشاء، تشکیک عامی را قبول دارند و معتقدند که وجودات، حقایق متباین به همه ذات هستند و دارای کثرت شخصی‌اند (سبزواری، ۱۴۳۲ق، ج ۲، ص ۱۰۴-۱۱۲).

۱-۲. تشکیک خاصی

فلاسفه کوشیده‌اند سرّ هستی‌شناسی مسئله را دریابند و در این راستا به دیدگاه‌های مختلفی دست یافتند؛ اما واژه تاریخی تشکیک را حفظ کردند؛ زیرا انگیزه اصلی فیلسوفان در بحث تشکیک، ارائه تصویری صحیح از نظام هستی از منظر وحدت و یکپارچگی و توجیه کثرات موجود در عالم هستی است (طباطبایی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۳۹-۴۰).

مختار نگارنده در میان دیدگاه‌های گوناگونی که در باب تشکیک فلسفی وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت است (عینیت مابه‌الاشتراک و مابه‌الامتیاز) (طباطبایی، ۱۴۴۰ق، الف، ج ۱، ص ۳۳-۳۵؛ همو، ۱۴۴۰ق، ب، ص ۲۰).

برخی از پیروان حکمت متعالیه این نوع تشکیک را قبول دارند و معتقدند که این نوع تشکیک تنها در نفس وجود جاری است (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۶۱). توضیح آنکه شکی نیست که در عالم، حقایق متعددی وجود دارد؛ یعنی وجود حقیقتاً کثیر است و برخی از آن ممکن و برخی واجب‌اند، برخی علت و برخی

معلول اند و... اما این حقیقت وجود در عین حال که کثیر است، یک حقیقت واحد است؛ یعنی آنچه باعث کثرت این وجودات شده است (مابه‌التفاوت)، به عامل وحدت این وجودات که همان حقیقت وجود است (مابه‌الاشتراک) برمی‌گردد؛ بنابراین، وجود هم عامل کثرت و هم عامل وحدت است و آنچه باعث تفاوت این وجودها می‌شود کمال و نقص یا همان شدت و ضعف است.

پس وجود یک حقیقت واحد دارای مراتب است. نور خورشید که به ماه می‌تابد و سپس نور ماه که به آب می‌تابد و... نشان‌دهنده واحد بودن نور و مراتب داشتن آن است. البته باید توجه داشت که تشبیه یادشده تنها برای تقریب به ذهن گفته شده است؛ وگرنه نور مادی حقیقت بسیطی ندارد^۱ (طباطبایی، ۱۴۴۰ق، ب، ص ۱۷-۲۱؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۳۸۷).

طبق این توضیحات، ارکان و شروط تشکیک در وجود عبارت‌اند از: وحدت حقیقی، کثرت حقیقی، ظهور حقیقی، وحدت در کثرت، بازگشت حقیقی کثرت به وحدت (جوادی آملی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۵۷).

۱-۳. تشکیک خاص الخاصی

عرفا نوعی خاصی از تشکیک را می‌پذیرند که از آن با عنوان تشکیک در ظهور و مراتب (تشکیک در شأن) یاد می‌کنند. ایشان، تشکیک در وجود را قبول ندارند؛ زیرا حقیقت وجود را واحد شخصی و منحصر در وجود خداوند متعال می‌دانند (حسن‌زاده آملی، ۱۳۷۸، ص ۱۵۶).

عارفان و برخی از پیروان حکمت متعالیه، این نوع تشکیک را قبول دارند و معتقدند که نظر نهایی ملاصدرا در اسفار نیز همین است و شواهدی بر ادعای خود مطرح می‌کنند (رحمانی، ۱۳۹۵، ص ۷۹-۹۸).

بنابراین، عرفا وجود حقیقی (خداوند) را واحد و دیگر اشیاء را مظاهر و تجلیات و شئون حضرت حق می‌دانند. جامی می‌گوید:

«تفاوت در حقیقت وجود نیست؛ بلکه در ظهور و خواص آن است»

(جامی، ۱۳۸۲، ص ۵۶).

قیصری می‌گوید:

«وجود اشتداد، تضعیف، زیادت و نقصان را نمی‌پذیرد. شدت و ضعفی هم که در وجود است به حسب ظهور و خفای وجود در برخی مراتب آن است» (قیصری، ۱۳۷۵، ص ۲۵).

به نظر می‌رسد وجه اشتراک میان سه دیدگاه منطقی، فلسفه و عرفان این است که ملاک‌های تشکیک در آن، امور زیر است:

۱. اولویت و عدم اولویت؛ ۲. تقدم و تاخر؛ ۳. شدت و ضعف؛ ۴. کمال و نقص (سبزواری، ۱۴۳۲ق، ج ۱، ص ۱۲۵-۱۲۶).

معانی غیرمشهور دیگری برای تشکیک بیان شده است: مانند آنکه تشکیک به معنای لفظی مشترک میان دو معنای متضاد باشد یا اینکه تشکیک به معنای حرکت اشتدادی باشد (نبویان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۵۵-۲۵۶)؛ ولی آنچه در این نوشتار مدنظر است، تشکیک خاصی یا همان تشکیک در مراتب وجود است.

۲. پیامدهای کلامی تشکیک در وجود

اصل توحید، بنیادی‌ترین و مهم‌ترین اصل از اصول اعتقادی و جهان‌بینی اسلامی، و اساس و ریشه سایر اصول است؛ یعنی سایر اصول از توحید سرچشمه گرفته‌اند. برای اصل توحید مراتبی به نام توحید ذاتی، صفاتی و افعالی برشمرده‌اند. با توجه به اهمیت اصل توحید، در نوشتار حاضر به پیامدهای کلامی تشکیک در وجود در سه محور زیر می‌پردازیم:

۱. تأثیر تشکیک در اثبات ذات واجب الوجود؛

۲. تأثیر تشکیک در مسئله توحید ذاتی؛

۳. تأثیر تشکیک در مسئله توحید صفاتی.

نکته قابل توجه آن است که حد وسط اثبات و تبیین سه مورد فوق، صرافت ذات خداوند متعال است.

۲-۱. تشکیک در وجود و اثبات ذات واجب الوجود

۲-۱-۱. تشکیک در وجود و علت و معلول

نکته‌ای که قبل از ورود به اصل بحث باید به آن توجه داشت این است که معیار تشکیک خاصی، عینیت مابه‌الامتیاز و مابه‌الاشتراک است؛ حال این معیار گاهی در اموری است که میان آن‌ها رابطه علی و معلولی حکم فرماست؛ مانند مراتب وجود که مرتبه شدید وجود، علت مرتبه ضعیف و مرتبه ضعیف، معلول مرتبه شدید است. این نوع تشکیک خاصی را در اصطلاح «تشکیک طولی» می‌گویند.

گاهی در میان اموری است که میان آن‌ها رابطه علی معلولی حکم فرما نیست؛ بلکه تنها چند فرد از موجودات که در یک مرتبه هستند، باهم مقایسه می‌شوند؛ همانند مقایسه موجودات عالم ماده (مانند انسان‌ها) با یکدیگر که در اصطلاح به این نوع تشکیک خاصی، «تشکیک عرضی» می‌گویند.

مراد از تشکیک در این پژوهش، آن اموری است که رابطه میان آن‌ها رابطه علی معلولی است. به عبارت دیگر منظور از آن، تشکیک طولی است که در حقیقت وجود است (نبویان، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۲۵۶-۲۵۷؛ رحمانی، ۱۳۹۵، ص ۹۵-۹۶).

رابطه هر معلولی با علت خویش این اقتضای را دارد که درجه وجود علت از معلول بیشتر و کامل‌تر باشد؛ زیرا در صورت تساوی علت و معلول در وجود، اولیتی حاصل نمی‌شود که علت و معلول معنا پیدا کند؛ بنابراین، وجود هر معلولی در مقایسه با وجود علت خویش باید در درجه‌ای از نقص باشد. نقص معلول نسبت به علت، و کمال علت نسبت به معلول با توجه به تشکیک فهمیده می‌شود؛ زیرا تشکیک است که کمال و نقص، و شدت و ضعف را شرح می‌دهد.

بنابراین آن وجود شدید و کامل که صرف الوجود است، علة العلل و وجود مستقل است و سایر مراتب وجود از جهتی علت و از جهتی دیگر معلول هستند تا هیولای اولی که معلول محض و عین قوه است؛ از این رو با توجه به تشکیک، که نشان‌دهنده صرف الوجود و کمال مطلق بودن در ناحیه علة العلل است، وجود واجب بذاته، که علة العلل است، ثابت می‌شود؛ چرا که خداوند وجود صرف و کمال مطلق است و نقصی در او راه ندارد و ضرورتاً موجود است. در نتیجه، او علة العلل و وجود مستقلی است که هیچ نقص و وضعی در او راه ندارد.

به طور خلاصه می‌توان گفت که با توجه به تشکیک، رابطه علی معلولی میان مراتب وجود برقرار است و

لازمه آن نیز عین ربط بودن معلول و نیازمندی معلول به علت است؛ زیرا علت باتوجه به اینکه مرتبه وجودی و کمالی بیشتری نسبت به معلول دارد و عطاکننده وجود به معلول است، نباید فاقد آن باشد (باتوجه به قاعده معطی الشیء لایکون فاقدالها).

بنابراین، معلول نیازمند محض به علت است و سلسله علت و معلول ها، باتوجه به محال بودن تسلسل، باید به یک علت نهایی (علة العلل) ختم شوند. این علة العلل همان خداوند متعال است؛ زیرا اوست که وجود محض و کمال مطلق است؛ ازاین رو وجود واجب تعالی ضروری است.

۲-۱-۲. تشکیک در وجود و نفی تسلسل

نفی تسلسل (ترتیب علت ها تا بی نهایت) مورد اتفاق همه فلاسفه و متکلمان است و هرکدام از آن ها برای اثبات این مهم براهینی را بیان کرده اند (صدرالدین شیرازی، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص ۱۱۹-۱۴۰؛ طباطبائی، ۱۴۴۰ق، الف، ج ۱، ص ۳۰-۳۵).

در بحث حاضر ابتدا محال بودن تسلسل ثابت خواهد شد و سپس با استفاده از تشکیک در وجود، به اثبات وجود خداوند پرداخته خواهد شد. بیان استدلال به این شکل است: اگر پذیرفته شود طبیعت و حقیقت وجود، تشکیکی است، لازمه اش آن است که مراتب هستی در قوس نزول به سوی ضعف و در قوس صعود به سوی شدت وجودی و کمال رهسپارند.

در نتیجه، تشکیک وجود نشانگر آن است که مراتب وجود دارای دو سویه باشد: یک سویه آن، مرتبه نهایی وجود باشد که همان واجب الوجود و کمال مطلق است و سویه دیگر آن ضعیف ترین مرحله وجود یا ضعف مطلق باشد. حال با تصور صحیح معنای تشکیک، خود به خود تسلسل باطل می شود؛ زیرا در نهایت، سلسله علت ها باید به مرتبه ای که بالاتر از همه است (کمال مطلق)، ختم شود و نمی تواند بی نهایت باشد. پس وجود علة العلل، که خداوند است، ضروری می شود.

۲-۱-۳. تشکیک در وجود و برهان صدیقین

یکی از مهم ترین براهین اثبات وجود خداوند متعال، برهان صدیقین است که تبیین های مختلفی دارد (صادقی ارزگانی، ۱۳۸۸، ص ۵۷-۷۱؛ بنی اسدی، ۱۳۸۸، ص ۱۰۹-۱۲۳؛ جمال زاده، ۱۳۷۱، ص ۳۱-۴۵). تقریر ملا صدرا از این برهان، تفاوت هایی با تقریرات دیگر دارد که به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱. اثبات خدا بدون استفاده از ماهیت و امکان ماهوی، برخلاف برهان امکان و وجوب یا برهان حرکت؛
۲. بی‌نیازی از اقامه برهان بر ابطال دور و تسلسل.
۳. اثبات دیگر صفات کمالی افزون بر اثبات ذات خدا (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۳۷۲).

تقریر ملا صدرا پنج مقدمه دارد:

۱. اصالت وجود؛
۲. وحدت تشکیکی وجود؛
۳. راه‌نیافتن عدم بر حقیقت وجود؛
۴. مساوی بودن حقیقت وجود با کمال و غنا؛
۵. راه‌نیافتن عدم و نقص در وجود از راه معلول بودن (طباطبایی، ۱۳۹۶، ج ۵، ص ۱۲۲-۱۲۳).

همان‌طور که بیان شد یکی از مقدمات این تقریر، تشکیک وجود است؛ پس اگر تشکیک در وجود نبود، این تقریر قوی از برهان صدیقین شکل نمی‌گرفت.

براین اساس، صدرالمتألهین معتقد است که وجود، حقیقت واحد و بسیط است؛ از این رو، مراتب کثیر این حقیقت واحد، عین وحدت آن است و تنها اختلاف میان افراد، در کمال و نقص است. در نهایت، کثرت وجود به وحدت آن برمی‌گردد که به معنای تشکیک است.

در نتیجه، این حقیقت خارجی از دو حالت عقلی بیرون نیست:

۱. مستقل بالذات و بی‌نیاز مطلق باشد؛
۲. عین ربط و تعلق باشد.

در هر دو صورت وجود واجب بذاته، که خداوند متعال است، ثابت می‌شود؛ زیرا در صورتی که این حقیقت، مستقل بالذات باشد، واجب‌الوجود و هستی محض خواهد بود و خداوند متعال ثابت می‌شود. در صورتی که عین ربط و نیاز باشد، نیازمند به آن مرتبه عالی (واجب‌الوجود) است و قطعاً این مرتبه فقیر و نیازمند، بدون مرتبه مستقل محض قابل‌تصور و تحقق نیست؛ بنابراین، تقریر مبتنی بر تشکیک، واجب‌الوجود را اثبات کرد (صدرالدین شیرازی، ۱۴۲۵ق، ج ۶، ص ۱۵-۱۷).

نکته دیگری که این تقریر را از سایر تقریرهای برهان صدیقین ممتاز می‌کند این است که این تقریر

برخلاف دیگر تقریرها و براهین اثبات خداوند، تصور معلول بدون مستقل (واجب) را محال می‌داند؛ نه اینکه وقوعش را فرض کند و سپس آن را محال بداند. لازمه این سخن، بدیهی شدن اثبات واجب الوجود از طریق تشکیک است.

بنابراین، مباحث مذکور برای ایجاد تصور است؛ همان‌طور که برخی از آیات قرآن نیز به بدیهی بودن وجود خداوند اشاره دارند.^۲ از این رو، مفسرین و حکما وجود خداوند متعال را بدیهی و بی‌نیاز به اثبات می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۳۹۵؛ صدرالدین شیرازی، ۱۴۲۵ق، ج ۶، ص ۱۶).

۲-۲. تأثیر تشکیک در توحید ذاتی

۲-۲-۱. تشکیک در وجود و توحید احدی (بساطت)

واجب الوجود از همه جهات بسیط است و ترکیبی در آن راه ندارد (نفی کثرت درون ذاتی).

جهات بساطت بر چهار نوع است:

۱. بساطت از اجزاء مقداری در برابر ترکیب از اجزاء مقداری؛
۲. بساطت از اجزاء خارجی در برابر ترکیب از اجزاء خارجی؛
۳. بساطت از اجزاء عقلی و ذهنی در برابر ترکیب از اجزاء ذهنی؛
۴. بساطت از اجزاء تحلیلی و حدی به معنای پیراسته بودن از جنس و فصل و وجود و ماهیت.

واجب تعالی به هر چهار معنا بسیط است؛ زیرا واجب الوجود، صرف الوجود و وجود محض است (طباطبایی، ۱۴۴۰ق، الف، ج ۲، ص ۲۲۰؛ سبحانی، ۱۳۸۱، ص ۳۶ - ۳۸).

وجود محض و بسیط بودن واجب متعال از طریق تشکیک بدین صورت ثابت می‌شود: حقیقت وجود، تشکیکی است؛ یعنی مراتب گوناگونی از شدت و ضعف دارد که باید به یک مرتبه نهایی ختم شود. در میان این مراتب مراتب پایین، محدود و دارای نقصان هستند و مراتب بالاتر، حد و نقص کمتری دارند. مرتبه نهایی، هیچ حدومرزی ندارد و بسیط محض، وجود صرف و ذات خداوند متعال است؛ زیرا اگر در خداوند ترکیب و حد باشد، لازمه اش راه یافتن عدم در ذات اوست که این امر با صرف الوجود و نامحدود بودن خداوند سازگار نیست. همچنین اگر خداوند مرتبه نهایی کمال و شدت نباشد، نبود آن کمال مفروض با واجب الوجود بودن خداوند، تناقض خواهد داشت.

پس خداوند متعال که بالاترین مراتب را دارد، صرف الوجود و واجب الوجود است و هیچ‌گونه ترکیبی در او راه ندارد؛ زیرا هرگونه نقص و ترکیبی که برای خداوند فرض شود با وجوب بالذات او سازگار نخواهد بود. نتیجه آنکه با استفاده از تشکیک در وجود، ثابت می‌شود که خداوند صرف الوجود است و موجود صرف و محض، از همه جهات بسیط است.

۲-۲-۲. تشکیک در وجود و توحید واحدی (یکتایی)

توحید واحدی بدین معناست که ذات خداوند متعال یکی است و شریک ندارد. در این قسم از توحید، کثرت برون ذاتی از ذات خداوند متعال نفی می‌شود.

اثبات یکتایی خداوند از طریق تشکیک مبتنی بر مقدماتی است:

۱. بر اساس تشکیک در وجود، بالاترین مرتبه، صرف الوجود و بسیط محض است.
۲. صرف الوجود باید نامتناهی و بی‌نهایت باشد؛ زیرا اگر متناهی و محدود شود، بدین معناست که عدم در ذات او راه پیدا کرده است.
۳. برای موجود نامتناهی، تصور شریک محال است؛ زیرا همه عالم را فراگرفته و سراسر عالم ظهور اوست.

بنابراین، بر اساس اصل تشکیک فرض شریک و دومی داشتن برای خداوند محال خواهد بود و وحدت خداوند متعال اثبات می‌شود.

به طور خلاصه می‌توان گفت که خدا موجودی نامحدود است؛ زیرا صرف الوجود هستی محض است؛ پس خداوند متعال که نامحدود است، تعدد بردار نیست و واحد است (طباطبایی، ۱۴۴۰ق، الف، ج ۲، ص ۲۲۵).

آنچه این دلیل را از سایر دلایل متمایز می‌کند و نشان دهنده دقت و قوت آن است، این است که تشکیک به محال بودن فرض شریک منتهی می‌شود؛ در حالی که ادله دیگر، مثل برهان ترکب و تمناع، ابتدا وجود شریک و دومی را برای خداوند فرض می‌کنند و سپس آن را باطل می‌کنند.

نکته مهم دیگر این است که تشکیک در وجود، صرافت وجود را به دنبال دارد؛ یعنی وحدت خداوند از نوع وحدت عددی نیست؛ بلکه وحدت بالصرافه و وحدت حقه حقیقیه است؛ یعنی وجود خدا همه هستی را فراگرفته است و خداوند نامحدود است؛ بنابراین، جایی برای دیگری باقی نمی‌ماند؛ چه رسد به

اینکه بخواهد وجود داشته باشد. در نتیجه، یکتایی حقیق خداوند هم باتشکیک ثابت شد.

۲-۳. تشکیک در وجود و توحید صفاتی

مراد از صفات در توحید صفاتی، صفات فعلی نیست؛ بلکه صفات ذاتی خداوند است (طباطبایی، ۱۴۴۰ق، ب، ص ۱۹۹-۲۰۰). نسبت به نحوه اتصاف خداوند به این صفات، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که بیان آنها، در این مجال نمی‌گنجد.

دیدگاه صحیح آن است که صفات ذاتی خداوند، عین ذات اوست و هر کدام عین دیگری است. مراد از این عینیت نیز، عینیت مصداقی است (طباطبایی، ۱۴۴۰ق، ب، ص ۲۰۰-۲۰۱؛ خرازی، ۱۴۳۷ق، ص ۵۷).

پس براساس دیدگاه حق، در توحید صفاتی دو عینیت وجود دارد: عینیت صفات واجب تعالی با یکدیگر و عینیت صفات با ذات واجب تعالی. این دو عینیت با قول به تشکیک و از راه صرافت وجود ثابت می‌شوند. توضیح آنکه، از یک سو، لازمه تشکیک رسیدن مراتب وجود به بالاترین مرتبه است؛ زیرا در غیر این صورت تسلسل رخ می‌دهد که محال است، در میان این مراتب آن مرتبه نهایی که صرف الوجود و کمال محض است، ذات خداوند متعال است. از سوی دیگر، خداوند صرف الوجود است، یعنی همه کمالات را به صورت کامل در ذات خود دارد و به دیگر سخن، کمال مطلق است.

حال که باتشکیک، صرف الوجود بودن و کمال مطلق بودن واجب تعالی ثابت شد، عینیت صفات با ذات و همچنین عینیت صفات با یکدیگر هم ثابت می‌شود؛ زیرا در غیر این صورت غیریت حاصل می‌شود؛ حال آنکه لازمه غیریت، تمایز است و لازمه تمایز، ورود عدم در ذات واجب تعالی است که با صرف الوجود و کمال مطلق بودن خداوند نمی‌سازد.

از سوی دیگر ثابت شد که خداوند بسیط محض است و هیچ‌گونه ترکیبی در او راه ندارد، پس صفات او هم زائد بر ذاتش نخواهند بود؛ بلکه صفات، عین ذات و عین یکدیگرند. افزون بر آن، براساس تشکیک وجود، وجود دارای مراتب است و رابطه این مراتب علی و معلولی است. آن مرتبه نهایی که علة العلل و صرف الوجود است، باید همه کمالات وجودی را در ذات خود داشته باشد تا بتواند به معلول، وجود و کمالات بدهد؛ زیرا در غیر این صورت فاقد کمالات وجودی خواهد بود؛ حال آنکه فاقد شیء معطی شی نیست. به علاوه که موجود صرف، نامتناهی است و باید همه کمالات را داشته باشد؛ بنابراین همه صفات به صورت

کامل و در ذات خداوند متعال موجودند و عین ذات خداوند هستند.

نتیجه آنکه تشکیک، صرافت را می‌رساند و صرافت عینیت را ثابت می‌کند و از این رهگذر توحید صفاتی اثبات می‌شود.

حال که صرف الوجود باید همه کمالات را داشته باشد، قاعده بسیط الحقیقه (بسیط الحقیقه کلّ الاشیاء و لیس بشیء منها) هم روشن می‌شود به این صورت که:

بسیط الحقیقه، که همان ذات واجب تعالی است، همه اشیا است؛ یعنی همه کمالات را به صورت کامل دارد. به عبارت دیگر کمال مطلق است و این کمالات هم عین ذات اوست؛ زیرا در غیر این صورت عدم در ذات خداوند راه پیدا می‌کند که این با صرف الوجود بودن نمی‌سازد.

به دیگر سخن، در سلسله مراتب تشکیک، هر مرتبه پایین باید به صورت لایشرط، در مرتبه بالا باشد و تا مرتبه نهایی که نقطه اوج هستی، بسیط و صرف است، ادامه پیدا می‌کند که همه کمالات را به صورت کامل دارد. این مرتبه نهایی، همان ذات خداوند متعال است و این معنای قاعده بسیط الحقیقه است؛ زیرا بسیط الحقیقه (ذات خدا)، همه کمالات انسانی و دیگر ممکنات را دارد و در همین حال، هیچ کدام از آنها نیست؛ زیرا کمالات همه این‌ها را به صورت بشرط لا از نقائص دارد.

بنابراین با استفاده از تشکیک و صرافت در وجود، توحید صفاتی خداوند ثابت شد و همچنین قاعده بسیط الحقیقه، که توحید صفاتی را به نوعی با عبارات فلسفی می‌رساند، نیز تبیین شد.

نکته دیگر آنکه با توجه به مطالب مزبور، نامحدود بودن و بی‌نهایت بودن صفات خداوند هم ثابت می‌شود؛ چرا که وقتی ذات خداوند بی‌نهایت باشد، صفات خداوند هم بی‌نهایت می‌شوند و این همان عینیت صفات با ذات است.

پس اگر تشکیک در وجود پذیرفته نشود، توحید صفاتی خداوند نیز، به طور دقیق فهم نمی‌شود؛ زیرا با توجه به تشکیک، وجود دارای مراتب شدید و ضعیف است؛ بنابراین، باید نحوه اتصاف آن مراتب به صفات، با یکدیگر متفاوت باشد.

باتوجه به این توضیحات، می‌توان گفت که آن وجود صرف و بسیط که خداوند متعال است، باید کمال مطلق باشد و مثلاً صفت علم را به صورت کامل داشته باشد. باید صفت علم او با صفت علم موجود در ممکنات به لحاظ مصداق (همان کمال و نقص) متفاوت باشد؛ زیرا در غیر این صورت، تفاوتی میان صفات واجب با ممکنات نیست که این خلاف کمال مطلق بودن خدا و خلاف آیات و روایات است.

به عبارت دیگر، صفاتی مانند علم در خداوند و انسان از لحاظ مفهومی یکی است (مشترک معنوی)؛ اما مصداق آن‌ها در خدا و انسان به صورت تشکیکی است و کمال و نقص دارد؛ از این رو عالم بودن خدا با عالم بودن انسان متفاوت است. در آیه ۲۷ سوره روم «وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَى» نیز به این مطلب اشاره شده است؛ البته بنابر آنکه مراد از کلمه «مَثَل» در آیه، مطلق صفت و وصف کمال باشد (قرشی، ۱۳۷۰، ج ۸، ص ۱۹۹)؛ یعنی هر وصف کمالی از قبیل علم، قدرت و... که ممکنات به آن‌ها متصف هستند، بالاتر و کامل‌تر از آن، برای خداوند است. بنابراین فهم دقیق توحید صفاتی خداوند، مبتنی بر پذیرش تشکیک است.

❁ نتیجه‌گیری

با بررسی و تحلیل تشکیک در وجود، نتایج زیر به دست آمد:

۱. تشکیک در وجود، نشان‌دهنده کمال وجودی علت نسبت به معلول است و از آنجا که معلول، عین فقر و نیازمندی به علت است، پس وجود علت ضروری است. با توجه به نفی تسلسل، سلسله علت‌ها باید به یک مرتبه نهایی ختم شود که در اصطلاح آن «علة العلل» نام دارد. پس با توجه به تشکیک، وجود علة العلل، که خداوند متعال است، ضروری است.

۲. مطالعه نفس تشکیک، دوسویه بودن مراتب وجود را ثابت می‌کند که کمال مطلق و نقص مطلق است؛ از این رو سلسله علت‌ها باید در نهایت به مرتبه نهایی، که کمال مطلق است، برسد و آن مرتبه نهایی ذات خداوند متعال است.

۳. تبیین و تقریر صحیح برهان صدیقین، متوقف بر فهم تشکیک است؛ زیرا تشکیک یکی از مقدمات اصلی تقریر ملاصدرا می‌باشد.

۴. با استفاده از صرف‌الوجود بودن و بساطت مطلق خداوند، توحید ذاتی (واحدی و اُحدی) ثابت شد؛ زیرا فرض دومی داشتن برای صرف‌الوجود محال است و هیچ‌گونه ترکیبی در بسیط محض راه ندارد.

۵. با تحلیل کمال مطلق بودن و صرف‌الوجود بودن خداوند، این نتیجه به دست آمد که هیچ‌گونه عدم و نقصی در خداوند راه ندارد و بدین وسیله توحید صفاتی خداوند به اثبات شد. همچنین با تبیین قاعده بسیط الحقیقه مشخص شد که صفات وجودی خداوند باید نامحدود و در نهایت شدت و کمال باشند و تفاوت میان صفات واجب با ممکن به همین شکل تحلیل شد.

❁ پی‌نوشت

۱. جهت اطلاع از استدلال‌های بیشتر بر تشکیک در وجود ر.ک به طباطبایی، ۱۴۴۰ الف، ص ۳۲-۳۸؛ عبودیت، ۱۳۸۳، ص ۲۱۶-۲۷۷.
۲. أَفَى اللَّهِ شَكُّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ (ابراهیم/۱۰).

❁ منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. انیس، ابراهیم؛ منتصر، عبدالحلیم؛ الصوالحی، عطیه؛ خلف احمد، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ المعجم الوسیط، مترجم: محمد بندر ریگی، چاپ دوم، قم: انتشارات اسلامی.
۲. پورطولمی، منیر السادات؛ باقرپور، فاطمه، زمستان (۱۳۹۰)، «سیر تطور مفهومی معرفتی تشکیک»، نشریه آینه معرفت، شماره ۲۹، ص ۸-۲۳.
۳. جامی، نورالدین عبدالرحمن، (۱۳۸۲)، الدرة الفاخرة فی تحقیق مذاهب الصوفیة و المتکلمین و الحكماء المتقدمین، به انضمام حواشی مؤلف (جامی) و شرح عبدالغفور لاری و حکمت عمادیه، به اهتمام نیکولا هیر و علی موسوی بهبهانی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران-دانشگاه مک گیل با همکاری مرکز بین المللی گفتگوی تمدن‌ها.
۴. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۵)، رَحِیقِ مَخْتُوم: شرح حکمت متعالیه، تهیه و تنظیم: حمید پارسانیا، چاپ اول، قم: مرکز نشر اسراء.
۵. حسن زاده آملی، حسن، (۱۳۷۸)، ممدّ الهمم در شرح فصوص الحکم، چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۶. حسین پور، یاسر، (۱۳۹۸)، فلاح فلسفه: روایتی نواز فلسفه اسلامی، چاپ اول، قم: انتشارات نشر ادیان.
۷. حلّی، جمال الدین حسن بن یوسف، (۱۳۹۴)، الجوهر النضید: شرح منطق التجرید للخواجه نصیرالدین طوسی، تحقیق و تعلیق محسن بیدارفر، چاپ هفتم، قم: انتشارات بیدار.
۸. خرازی، سید محسن، (۱۴۳۷ق)، بداية المعارف الالهیه، چاپ هفتم، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
۹. رحمانی، محمد هادی، بهار و تابستان (۱۳۹۵)، «تقریر معانی تشکیک»، نشریه نسیم خرد، شماره ۲، ص ۷۹-۹۸.
۱۰. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۱)، محاضرات فی الالهیات، تلخیص علی ربانی گلپایگانی، چاپ ششم، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۱۱. سبزواری، هادی، (۱۴۳۲ق)، شرح المنظومه، تعلیقه حسن حسن زاده آملی، تقدیم و تحقیق مسعود طالبی، چاپ اول، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۱۲. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۴۲۵ق)، الحکمة المتعالیه فی الاسفار العقلیه الاربعة، چاپ اول، قم: منشورات طلیعه النور.

۱۳. _____ (۱۳۸۳ق)، شرح أصول الكافي (صدرا)، تحقیق و تصحیح خواجهی، محمد، چاپ اول، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۹۶)، اصول فلسفه و روش رئالیسم، مقدمه و پاورقی: مرتضی مطهری، چاپ بیست و دوم، تهران: انتشارات صدرا.
۱۵. _____ (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۶. _____ (۱۴۴۰ق، الف)، نهاية الحکمه، تصحیح و تعلیقه: زارعی سبزواری، عباس علی، چاپ دهم، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
۱۷. _____ (۱۴۴۰ق، ب)، بداية الحکمه، تصحیح و تعلیقه: عباس علی زارعی سبزواری، چاپ سی و دوم، قم: مؤسسه نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین قم.
۱۸. _____ (۱۳۹۹)، بداية الحکمه، تصحیح و تعلیقه: علی امینی نژاد، چاپ اول، تهران: آل احمد با همکاری مؤسسه آموزشی پژوهشی نفحات.
۱۹. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۰)، احسن الحديث، چاپ اول، تهران: مرکز چاپ و نشر بنیاد بعثت.
۲۰. قیصری رومی، محمد داود، (۱۳۷۵)، شرح فصوص الحکم، به کوشش جلال الدین آشتیانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۳)، آموزش فلسفه، چاپ چهاردهم و پانزدهم، تهران: نشر بین الملل.
۲۲. مظفر، محمد رضا، (۱۴۳۷ق)، المنطق، تصحیح و تعلیق علیرضا رنجبر، چاپ سوم، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه های علمیه.
۲۳. نبویان، سید محمد مهدی، (۱۳۹۵)، جستارهایی در فلسفه اسلامی: مشتمل بر آراء اختصاصی آیت الله فیاضی، چاپ دوم، قم: انتشارات حکمت اسلامی (وابسته به مجمع عالی حکمت اسلامی).



Journal of The Islamic Wisdom Teachings
Vol.2, No.2, spring and summer 2024
ISSN: 3041-9549 | EISSN: 3060-5764

Research Article

Theological Implications of Dubitation in Existence: A Case Study of Essential Unity and Attribute Unity

Reza Esfandiari¹ 

Ali Hosseini Si-Sakht² 

Mehdi Zamani Fard³



Abstract

The most important issue that has been given attention in Islamic philosophy, especially in Sadraian philosophy, after the originality of existence, is the issue of "ambiguity in existence". This issue also has a history in logic and mysticism. In line with the necessity of using philosophical issues in theological discussions, the present study aims to explore the theological implications of ambiguity in existence using the method of rational analysis. Therefore, by presupposing the discussion of ambiguity in existence, essential unity and attribute unity are proven. Finally, based on the impact of ambiguity of existence on the negation of infinite regress and the proof of God as the Cause of Causes, God's pure existence and necessity are inferred.

Keywords: Ambiguity in Existence, Essential Unity, Attribute Unity, Pure Existence, Indivisible entity.

*Received date: 2022/08/28

Accepted date: 2023/ 11/09

1. Second level student of Islamic Theology, Nawab Seminary, Mashhad (Responsible author)
rezaesfandyari4489@gmail.com

2. Fourth level student of new Theology, Nawab Seminary, Mashhad alihoosini313@gmail.com

3. Professor of jurisprudence and principles and higher levels of philosophy and theology,
Nawab Seminary, Mashhad zamani.mahdi@mailkh.com